

مقدمه

بدون شک، داشتن محیطی سالم برای زندگی یکی از نعمت‌های الهی و سطح نظر همه مردم است. در گذشته نه چندان دور، به سبب آنکه مسئله آلودگی هوا به صورت جدی مطرح نبود و آدمیان به وفور از نعمت داشتن محیطی پاک برخوردار بودند و طبیعت مورد تهاجم بی‌رحمانه داعیه‌داران رشد و ترقی واقع نشده بود، خطر آلودگی محیط زیست توجه زیادی را به خود جلب نکرده بود.

انسان در بدو خلقت خویش، با تمام وجود، از طبیعت هراس داشت؛ خطر جانوران درنده، خطر آب و هوای نامساعد و خطر محیط زیست وحشی. اما همین طبیعت همچون ضروریات زندگی او و از جمله غذای گیاهی یا (حیوانی) را به وی ارزانی داشته است.

انسان ماهر سپس به یاری اندیشه و به کمک ابزار، خود را برای رویارویی با خطرهای آماده کرد و به مهار عوامل طبیعی و رام نمودن آنها و سرانجام، بهره‌کشی از آنها در جهت منافع خود پرداخت. انسان‌ها با اتحاد و بذل کوشش‌های مشترک توانستند جنگل‌ها را به صورت زمین‌های آباد و قابل کشت و زرع درآورند، مسیر جریان آب رودخانه‌ها را تغییر دهند و به ساختن بناها و آثار بزرگ و عظیم مانند اهرام مصر، اقدام کنند. با این حال، تمامی این اقدامات به همان اندازه که جمعیت بشری تابع نوسان‌ها و فراز و نشیب‌های برخاسته از رویدادها، جنگ‌ها، بیماری‌های مسری و یا بلاهای عظیم طبیعی است، محدود بود. اقتصاد نوین بر اثر جنون آزمندی برگرفته از اندیشه رشد مداوم، درصدد کشف فنون بهره‌برداری همراه با تخریب هرچه بیشتر از منابع طبیعی برآمده و انسان اقتصادی در این عرصه، بر این باور است که می‌تواند از ذخایر و منابعی که طبیعت به وی ارزانی داشته، جاودانه استفاده کند.

به تدریج، ظهور و گسترش بحران‌های زیست‌محیطی که دامنه‌اش علاوه بر انسان، حیوانات و گیاهان را نیز در بر گرفته است - همانند از بین رفتن جنگل‌ها، آلودگی آب‌های سطحی و زیرزمینی و به تبع آن، مرگ و میر فزاینده حیوانات آبی، تخریب لایه ازن و باران‌های اسیدی - سبب شده جوامع انسانی به این مسئله توجه بیشتری معطوف نمایند. در حال حاضر، بیش از ۲۳۰ پیمان بین‌المللی زیست‌محیطی وجود دارد. بیشتر این پیمان‌ها طی سی سال گذشته منعقد شده‌اند، اما درست اجرا نشدن این پیمان‌ها و سهل‌انگاری مجریان سبب شده است این پیمان‌ها تأثیر قابل توجهی نداشته باشند (دیرباز و دادگر، ۱۳۸۰، ص ۴۱-۵۲).

در کنار این، نظام‌های اخلاقی گوناگون با مبانی متفاوت، به اظهار نظر درباره محیط زیست پرداخته‌اند. برخی با اصالت دادن به انسان، زمینه‌های تسلط بیشتر انسان بر محیط را فراهم کرده و در مقابل، عده‌ای با اهمیت دادن به طبیعت، تصرفات تخریبی انسان در محیط را نهی کرده‌اند. گاهی هم حتی حکم به حرمت هر گونه استفاده از گونه‌های گیاهی و حیوانی داده‌اند (پرمن، ۱۳۸۲، ص ۴۲-۴۶).

محیط زیست و نظام اخلاقی آن در اسلام

farahanifard@ues.ac.ir
mali.farahani@gmail.com

ک. سعید فراهانی فرد / دانشیار دانشگاه علوم اقتصادی
محمدعلی فراهانی فرد / سطح سه حوزه و پژوهشگر اقتصاد اسلامی
دریافت: ۱۳۹۲/۸/۱۸ - پذیرش: ۱۳۹۳/۱/۱۸

چکیده

شتاب گرفتن رشد اقتصادی کشورها در عصر حاضر، موجب ظهور و گسترش تدریجی بحران‌های زیست محیطی در جهان شده است. این مقاله ضمن تحلیل اخلاقی این مشکل، از منظر دینی به بررسی دو دیدگاه متناقض می‌پردازد: برخی بحران حاضر را ناشی از فاصله گرفتن از تعالیم ادیان دانسته، راه حل را در افزایش زمینه‌های تربیت دینی و اخلاقی می‌دانند. عده‌ای دیگر با اتخاذ رویکردی غیردینی، آموزه‌های دینی همچون تقبیح دل‌بستگی به دنیا و در مقابل، تجویز استفاده بدون حد از منابع طبیعی را از جمله عوامل مؤثر در شکل‌گیری بحران برمی‌شمارند. این نوشتار، با نگاه برون دینی و درون دینی و با استفاده از روش «تحلیلی» به بررسی این دو دیدگاه می‌پردازد. فرضیه مقاله این است که این بحران را باید نتیجه فاصله گرفتن از ارزش‌های دینی دانست. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد: در نگاه ادیان و به‌ویژه دین اسلام، منابع طبیعی و سایر مواهب خداوند برای استفاده همگان خلق گردیده و محیط زیست از سوی شریعت محترم شمرده شده است و با تقویت مبانی دینی فردی و نهادهای اجتماعی مانند امر به معروف و نهی از منکر، محیط زیست محفوظ خواهد ماند.

کلیدواژه‌ها: محیط، زیست، عدالت، نسل، اخلاق، توسعه، تسخیر، اخلاق، اسلام.

طبقه‌بندی JEL: P4, Q56, O44

یکی از ابعاد مهم توجه به این مسئله، نگاه از منظر دینی است. در این زمینه، دو دیدگاه متناقض وجود دارد: از یک سو، عده‌ای بحران حاضر را ناشی از فاصله گرفتن از تعالیم ادیان دانسته، راه حل را در افزایش زمینه‌های تربیت دینی و اخلاقی می‌دانند. از سوی دیگر، عده‌ای با نگاه غیردینی و با اتخاذ موضعی متضاد، مشکل را در آموزه‌های دینی جست‌وجو کرده، آنها را در این بحران مؤثر دانسته‌اند (هات، ۱۳۸۲، ص ۳۰۱). نظام اخلاقی مبتنی بر انسان‌محوری، با نفی اعتقادات مذهبی و رویکرد ماورای طبیعی به جهان هستی، طبیعت را تحت حاکمیت مطلق انسان قرار داده است. انسان با تحولات و پیشرفت‌های چشم‌گیر در علوم طبیعی، نیازی به حضور اراده و مشیت خدا و دخالت او در امور فردی و اجتماعی نمی‌بیند و نظام طبیعی را تنها منشأ ارزش و غایت امور بشری و طراح زندگی او می‌داند. در مقابل، نظام اخلاقی طبیعت‌گرا نیز به علت آنکه می‌خواسته مشکل را از همان زاویه حل کند، راه به جایی نبرده و دچار افراط و تفریط شده است.

یکی از مشکلات اساسی مکاتب اخلاقی انسان‌محور و طبیعت‌گرا انهدام بنیادهای مبتنی بر توجه به رابطه انسان با خداست. در حقیقت، انسان با قطع رابطه و پیوند خویش با خدای خود و خالق هستی، روابط هماهنگ خود با سایر مخلوقات و کل عالم وجود را نیز با مشکل مواجه کرده است.

اما نظام اخلاقی اسلام، از ظرفیت بالایی برای کاهش بحران و حفظ محیط زیست برخوردار است. هدف اساسی این نظام تغییر در نگرش انسان نسبت به آنچه در اختیار دارد، می‌باشد؛ بدین معنا که او باید به این فهم و ادراک عمیق برسد که امانت‌دار است و امکانات و منابع طبیعی و زیست‌محیطی را، که براساس مصالحی در اختیار او قرار داده شده، را فقط در جایی می‌تواند استفاده کند که مالک حقیقی‌اش اجازه می‌دهد و همه ابعاد فردی، اجتماعی، انسانی و غیرانسانی استفاده از منابع زیست‌محیطی را نیز باید در نظر بگیرد. بدین‌روی، او حق ندارد رفتارهایی نسبت به طبیعت داشته باشد که منجر به تخریب آن گردد.

در این نظام، علاوه بر اهتمام به تصحیح اعتقادات انسان و تقویت ایمان او، به گونه‌ای که به‌طور طبیعی و خودکار این مهم را انجام دهد، رهنمودهای اخلاقی فراوانی در جهت تربیت انسان وارد شده است که در سایه آن، نه تنها دست خود را به تخریب محیط زیست نمی‌آلاید، بلکه خود و دیگران را نیز به ارتقای سطح آن ترغیب می‌کند.

پیشینه و ادبیات موضوع

در زمینه پیشینه ادبیات اقتصاد محیط زیست در قرن نوزدهم، می‌توان از متفکرانی همچون مالتوس (۱۷۹۸)، ریکاردو (۱۸۱۷) و مارکس (۱۸۶۷) نام برد. مالتوس نگران این بود که با توسعه اقتصاد، رشد

جمعیت سریع‌تر از رشد محصولات کشاورزی باشد و وضعیتی باثبات از نابسامانی در امان نخواهد بود. در تحلیل ریکاردو، با افزایش جمعیت، منابع درجه یک، بهره‌برداری می‌شوند و باید جانشینی منابع شوند که به‌طور متوالی، درجات پایین‌تری دارند. با کاهش مرغوبیت منابع، هزینه‌های بهره‌برداری افزایش می‌یابد. مارکس نیز محدودیت ناشی از آشوب‌ها و ناآرامی‌های سیاسی و اجتماعی را مطرح کرد. این موضوع در دهه ۱۹۷۰، با اضافه شدن جنبه‌های اخلاقی مرتبط با رشد و توسعه اقتصادی به‌وسیله اقتصاددانان محیط زیست، گسترش بیشتری یافت و آثار منفی ناشی از رشد سریع مکتب نو اقتصادی درباره آینده طبیعت را گوشزد کرد.

در قرن بیستم، پیگو نخستین کسی بود که تأثیر آلودگی را بر کارایی اقتصادی به صورت مدون درآورد. در بُعد استفاده پایدار از منابع، گری (۱۹۱۴) و هتلینگ (۱۹۱۳) استفاده از منابع پایان‌پذیر را مدون و فرمول‌بندی کردند.

در خلال جنگ‌های جهانی و سال‌های پس از آن، وقفه‌ای در طرح مباحث زیست‌محیطی پدید آمد و تألیفات کمی در این باره عرضه شد. یکی از این تألیفات در سال ۱۹۴۹ متعلق به آلدو لئوپولد است که مشوق بسیاری از محیط‌زیست‌گرایان دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی به شمار می‌آید. سایروس وانتروپ نیز در سال ۱۹۵۲ درباره منابع و حفاظت اقتصادی از آنها مطالبی منتشر ساخت. همچنین گوردن (۱۹۵۴) مدیریت منابع تجدید شونده را به‌گونه‌ای علمی تبیین کرد.

بالدینگ (۱۹۶۶) در مقاله‌ای با عنوان «سفینه زمین»، علم اقتصاد را با برخی علوم دیگر تلفیق کرد تا نظام اقتصادی را به صورت نظام چرخشی جریان منابع، و محیط زیست را به صورت مجموعه‌ای از محدودیت‌ها، ذخیره منابع و ظرفیت‌های جذب طبیعی ضایعات نمایان سازد.

آیرس ونیز (۱۹۶۹)، و نیز او همکارانش (۱۹۷۰) تحقیق بالدینگ را به صورت الگو تعادل مواد، مدون و فرمول‌بندی کردند.

هاردین (۱۹۶۸ و ۱۹۷۴) در یک گزارش مقایسه‌ای بین موجودی منابع طبیعی رشد جمعیت، نشان داد استفاده‌های مفراط موجب تخریب منابع و محیط زیست می‌شود.

در اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی دو اثر به نام‌های «محدودیت‌های رشد» و «طرحی برای زنده ماندن»، رضایت خاطر غربی‌ها در زمینه ملاحظه مؤلفه‌های زیست‌محیطی را متزلزل ساختند. در تحقیق اول، کاهش رشد اقتصادی تا حد صفر مطرح شد. طرفداران این نظریه به صفرگرایان مشهور شدند. در تحقیق دوم، پژوهش‌های مربوط به حفظ بقا در زمان حال و آینده مورد تشویق قرار گرفت و سفارش شد

که عوامل کلیدی توسعه با مدیریت زیست محیطی ادغام شود (بارو، ۱۳۸۰، ص ۱۱۴-۱۱۵ و ۲۳۰-۲۴۰؛ دیرباز و دادگر، ۱۳۸۰؛ ترنز، ۱۳۷۴، ص ۵-۱۴)

شوماخر نیز در کتاب *کوچک زیباست*، هشدار داد که رشد سازمان‌های غول‌پیکر در غرب موجب افزایش تخصص‌گرایی و بی‌کفایتی اقتصادی شده است و در این رابطه، راه‌کارهایی همچون رعایت منابع قابل تجدید و استفاده از فناوری‌های واسطه را ارائه کرد (شوماخر، ۱۳۷۲).

در حوزه اخلاق محیط زیست نیز آثار فراوانی نگاشته شده است؛ از جمله بنسون (۱۳۸۲) و صانع پور (۱۳۸۲) مکاتب اخلاقی زیست محیطی را مطرح کرده‌اند. برخی مانند هات (۱۳۸۲) به برخی از چالش‌ها در این زمینه پرداخته و نصر (۱۳۷۹) آنها را پاسخ گفته است. در این زمینه، می‌توان به آثار شوماخر (۱۳۷۲)، بری (۱۳۸۰)، ترنر و پیرس (۱۳۷۴)، پرمن (۱۳۸۲)، و سن (۱۳۷۷) نیز اشاره کرد. در حوزه مباحث اسلامی محیط زیست نیز می‌توان به کتاب *اسلام و محیط زیست آیت‌الله جوادی آملی* (۱۳۸۶)، *محیط زیست؛ مشکلات و راه‌های برون‌رفت از منظر اسلام*، اثر *فراهانی فرد* (۱۳۸۵) و همچنین آثار *رمضان اختر* (۱۳۸۱)، *محقق داماد* (۱۳۸۶)، *فضلان* (۱۳۸۷) و *سعدالدین* (بی تا) اشاره کرد.

همان‌گونه که گذشت، ویژگی این مقاله آن است که مباحث اخلاقی اسلام را در حوزه محیط زیست در قالب نظام اخلاقی و به صورت نظام‌مند مطرح کرده است.

مبانی اخلاقی مکاتب زیست محیطی

همان‌گونه که گذشت، طی چندین دوره، نگرش‌های متفاوتی نسبت به چگونگی برخورد با مسائل محیط زیست ایجاد شده و طیف‌های گسترده‌ای از طرفداران افراطی محیط زیست و گروه‌های افراطی طرفدار رشد اقتصادی وجود داشته‌اند. بدون شک، این دیدگاه‌ها متأثر از افکار فلسفی و اعتقادی نسبت به جهان و رویکردهای اخلاقی درباره آن است. مطالعه این دیدگاه‌ها نشان دهنده آن است که نگاه‌های تخریبی به محیط زیست برگرفته از اندیشه‌های فلسفی است که با صرف نظر از آموزه‌های دینی و در فضایی کاملاً غیردینی ایجاد شده است، در حالی که ادیان الهی در این باره، دیدگاهی معتدل دارند.

دو نظام اخلاقی مهم و در عین حال متمایز، در ارتباط با نگرش نسبت به محیط زیست وجود دارد: فلسفه اخلاقی «اصالت انسان» و فلسفه اخلاقی «اصالت طبیعت».

الف. رویکرد فلسفه اخلاقی انسان‌گرا

در فلسفه انسان‌گرا، حقوق و تکالیف فقط به جوهر و شخصیت وجودی انسان‌ها، چه به صورت فردی و

یا اجتماعی مربوط می‌شود. هرچند ممکن است انسان‌ها علاقه‌مند رعایت حقوق سایر موجودات و گونه‌های حیاتی باشند، ولی سایر موجودات غیر از انسان هیچ حقوق یا مسئولیتی ندارند. براساس این تفکر انسان‌محور، درباره محیط زیست تصمیم‌گیری و حقوق آن تا جایی محترم شمرده می‌شود که منافع انسان تأمین گردد.

مکنب انسان‌گرایی، خود شامل دو مکتب «فایده‌گرا» و «آزادی‌خواه» می‌شود. اگرچه هر دو مکتب حق حیات را منحصر به انسان می‌دانند، اما در تفسیر مسائل و نتایج آن اختلاف دارند.

طرفداران مکتب «اصالت فایده» (هیوم و بنتام) نتایج حاصل از افعال انسان را فقط بر این اساس که تا چه حد در کام‌یابی جامعه نقش داشته‌اند قابل ارزیابی می‌دانند. براساس آموزه‌های این مکتب اخلاقی، یک تابع رفاه اجتماعی معرفی می‌شود و معیار فعالیت‌های اقتصادی و زیست محیطی قرار می‌گیرد. از این تابع اجتماعی، در تحلیل‌های بین نسلی استفاده شده است. بنابراین، توجه به محیط زیست و حفظ گونه‌های حیوانی و گیاهی تا جایی که تأمین‌کننده منافع جامعه‌ای باشد که انسان در آن زندگی می‌کند در صدد حفظ آن برمی‌آید (پرمن، ۱۳۸۲، ص ۵۰-۶۶).

در مقابل، مکتب «آزادی‌خواه» حقوق انسانی را ذاتاً متعلق به تک تک افراد می‌داند و معتقد است: مفاهیمی همچون «حقوق اجتماعی» و «حق جمعی» و «حق گروهی» بی‌معناست. یکی از فلاسفه معاصر مکتب «آزادی‌خواه» *رابرت نوزیک* (۱۹۷۴) است. کار نوزیک متأثر از افکار *آدام اسمیت* و *جان لاک* است. نکته اصلی در بحث نوزیک، آزادی عمل است. طبق نظر او، توزیع زمانی عادلانه است که نتایج حاصل از آن کاملاً حاکی از انتخاب‌های آزادانه باشد، نه چیز دیگر. نتیجه تفکر مکتب «آزادی‌خواه» اهمیت داشتن منافع فرد است و به لحاظ اینکه افراد غالباً به آینده دور خود توجه ندارند، به‌ویژه آنکه محیط زیست نیز آثار خود را در فاصله زمانی که دورتر از یک نسل است نشان می‌دهد، انگیزه‌ای برای حفظ آن وجود ندارد (همان).

نظام اخلاقی مبتنی بر انسان محوری لاک و هیوم، که در قرن شانزدهم و هفدهم شکل گرفت، اعتقادات مذهبی و رویکرد ماورای طبیعی به عالم و جهان هستی را تحت تأثیر قرار داد. در این فضای انسان‌گرایانه، طبیعت تحت حاکمیت مطلق انسان قرار می‌گیرد؛ چنان‌که *توماس هابز* به دلیل تأثیرپذیری از تحولات و پیشرفت‌های چشم‌گیر در علوم طبیعی، نیازی به حضور اراده و مشیت خدا و دخالت او در امور فردی و اجتماعی نمی‌بیند و نظام طبیعی را تنها منشأ ارزش و غایت امور بشری و طراح زندگی او می‌داند (همان).

ب. رویکرد فلسفه اخلاقی طبیعت‌گرا

با گذشت زمان و تحول در اندیشه و مبانی فلسفی - اخلاقی جوامع گوناگون، نوع نگرش و رفتار با محیط زیست نیز دگرگون شده است.

برعکس انسان‌گرایی، در نظام طبیعت‌گرا، امتیاز و یا تقدم جوهر و شخصیت وجودی انسان بر سایر موجودات رد شده، اخلاق فقط با ملاحظه برخی نظام‌های طبیعی شامل اجزای حیاتی و غیر حیاتی قابل تعریف است. آلدو لئوپولد در این باره، مطلبی می‌گوید که می‌توان آن را موضع بسیاری از طرفداران محیط زیست نیز دانست:

فقط چیزی حق است که گرایش به زیبایی، کمال و پایداری حیات اجتماعی داشته باشد. در غیر این صورت، آن چیز باطل و غیرواقعی است (پرمن، ۱۳۸۲، ص ۴۶، به نقل از: آلدو لئوپولد، ۱۹۴۹م، ص ۲۶۲). واتسون (۱۹۷۹) یکی از نویسندگان مکتب «طبیعت‌گرا»، اصل مورد توجه کانت را مبنی بر اینکه احترام به انسان ضروری است، با استفاده از اصل «واکنش متقابل»، به حیوانات رده بالا و باهوش تعمیم داده است. گودپاستر (۱۹۷۸) با طرح اینکه تعهدات انسان نسبت به سایر حیوانات گسترش یافته است، نتیجه گرفت هر موجودی در عالم هستی جدای از زنده بودن، دارای حقوقی است که باید از سوی دیگران رعایت شود. هانت (۱۹۸۰) این موضوع را به همه موجودات گسترش داد و گفت: تمام موجودات هستی، اعم از زنده و مرده، با روح و بدون روح، دارای حقوق ذاتی هستند (پرمن، ۱۳۸۲، ص ۴۶ - ۴۹). معمولاً بوم‌شناسان افراطی، که هرگونه تصرف در طبیعت را منع می‌کنند، دارای چنین پیشی هستند.

جمع‌بندی و نقد مکاتب اخلاقی زیست محیطی

اشکال اساسی بر مکتب «انسان‌گرا» این است که با محور قرار دادن انسان و اصالت نفع او، چه به صورت نفع شخصی و چه در قالب اجتماع، تسلط انسان بر طبیعت و تخریب محیط زیست را به قیمت رفاه بیشتر انسان تجویز کرده و نقش اخلاق را در این تصمیم‌گیری نادیده گرفته است، در حالی که ویلسون نیز می‌گوید: «سرشت انسانی دارای دو چهره منفعت‌طلبانه و نوع‌دوستانه است. این در حالی است که تحلیل‌های اقتصادی منحصراً بر جنبه‌های منفعت‌طلبانه تأکید می‌کند (Wilson, 2000, 9. 75).

مشکل دیگر این تفکر انهدام بنیادهای مبتنی بر توجه به رابطه انسان با خداست که تقریباً در همه این مکتب‌ها نادیده گرفته شده است. در حقیقت، انسان با قطع رابطه خویش با خدا و خالق هستی، روابط هماهنگ خود با سایر مخلوقات و کل عالم وجود را نیز با مشکل مواجه کرده است. انسان با این نگرش،

در پی استیلا بر طبیعت است و شاید در کوتاه مدت و از نظر ظاهری، بتواند به این آرزو دست یابد که تا حد زیادی هم در این زمینه موفق شده است. اما انسان عصر حاضر باید توجه داشته باشد که طبیعت هوشمند نیز برای بقا و تعادل خویش، از قانون و سنت خلقت پیروی می‌کند و تمامی نیروهایش را بسیج کرده، با انسان به مقابله برخواید خاست. طرفداران محیط زیست نیز، که براساس فلسفه اخلاقی طبیعت‌گرایانه، توجه بیشتری به محیط زیست و گونه‌های زیست‌محیطی دارند، علاوه بر آنکه در برخی از جهات راه افراط در پیش گرفته‌اند، خداوند را از رفتار انسان کنار زده‌اند و همین علت اصلی موفق نبودن ایده‌های متعادل آنان است. این در حالی است که مکتب اخلاقی مبتنی بر دین و به‌ویژه دین اسلام، از ظرفیت بالایی برای کاهش بحران و کاهش تخریب محیط زیست برخوردار است.

نظام اخلاقی محیط زیست در اسلام

با توجه به اهمیتی که همه ادیان به اخلاق و ارزش‌های اخلاقی داده‌اند، می‌توان به روشنی دریافت که نگاه خاصی در این ادیان به محیط زیست وجود دارد. دین اسلام نیز به عنوان یک نظام هماهنگ، برای همه نیازهای انسان برنامه دارد و به‌طور طبیعی، براساس مبانی فلسفی، کلامی و اخلاقی هماهنگ، مرتبط با هم برای حفظ و ارتقای محیط زیست، از برنامه‌ای منسجم و هماهنگ برخوردار است و برخلاف برخی ادیان شرقی، نه اجازه می‌دهد بشر طبیعت را به علت عظمت آن، خدای خویش بداند و در مقابل آن به سجده بیفتد، و نه آن را موجودی فاقد روح بداند، بلکه مظاهر طبیعت را آیه (فصلت: ۳۷) و کلمه خداوند و موجوداتی دارای شعور نسبی، که تسبیح‌گوی خداوندند (جمعه: ۱)، معرفی کرده است و انسان‌ها را به پرستش خالق آنها می‌خواند.

در ادامه، پس از بررسی مبانی نظام اخلاقی محیط زیست در اسلام به بیان اهداف و راه‌کارهای اسلام برای تحقق این اهداف می‌پردازیم.

مبانی نظام

نظام اخلاقی محیط زیست در اسلام به‌طور عمده بر مبنای دیدگاه‌های پایه‌ای اسلام به انسان و طبیعت استوار است.

یک. جایگاه انسان: در مکتب اسلام، انسان نه موجودی است دارای ارزش مطلق که همه چیز فدای او شود و در خدمت او باشد و نه موجودی بی‌ارزش و بی‌مقدار که به او بی‌احترامی روا باشد. براساس آموزه‌های اسلام، می‌توان صفات ذیل را برای انسان برشمرد:

الف. انسان مخلوق خداوند و تحت اشراف اوست و به تعبیر دیگر، خداوند خالق، رب و محیط بر انسان است (انفال: ۷۷).

ب. انسان جانشین (بقره: ۳۰) و امانت‌دار خداوند (احزاب: ۷۲) است.

ج. انسان از سوی خداوند تکریم شده و از کرامت ذاتی بر خوردار است (اسراء: ۷۰).

د. انسان از وجدان اخلاقی برخوردار است (الشمس: ۸-۹).

دو. جایگاه طبیعت: نظام اخلاقی اسلام به طبیعت نیز نگاهی متعادل دارد؛ نه راه افراط پیموده و آن را مسجود انسان می‌داند و نه به آن بی‌توجهی کرده و آن را موجودی طفیلی و در خدمت انسان دانسته است. اسلام طبیعت را به مثابه آیات الهی و نشانه‌هایی برای شناخت خالق هستی معرفی می‌کند و برای آن ملکوت قایل است (یونس: ۱۰۱؛ فصلت: ۵۳؛ سبأ: ۹؛ عنکبوت: ۴۴؛ جاثیه: ۵؛ انعام: ۷۵). بر این اساس، می‌توان صفات ذیل را برای طبیعت ذکر کرد:

۱. **طبیعت حیات‌بخش به زندگی بشر:** نقش طبیعت و منابع زیست‌محیطی در حیات و بقای انسان قابل انکار نیست. جزء جزء عناصر طبیعت از نعمت‌های الهی است که خداوند به انسان ارزانی داشته تا بتواند با استفاده از آن‌ها، راه کمال و سعادت جاوید را طی کند و به کمال و جود خویشتن برسد. قرآن در این زمینه می‌فرماید: «خداوند همان کسی است که دریا را مسخر شما گردانید تا کشتی در آن به حرکت درآید و بتوانید از فضل خدا بهره ببرید و شاید شکر نعمت‌های او را بجا آورید» (جاثیه: ۱۲؛ نحل: ۱۴).

۲. **طبیعت موجودی هوشمند:** در جهان‌بینی الهی، جهان طبیعت موجودی هوشمند و دارای حیات بوده و قوانینی بر آن حاکم است که در صورت تخطی انسان از آن‌ها، زمینه هلاکت او را فراهم می‌آورد. علامه طباطبائی در توصیف این هوشمندی می‌فرماید: انسان در مسیر زندگی‌اش و در سیر به سوی سرمنزل سعادت، با سایر اجزای عالم ارتباط کامل دارد و در صورتی که حرکاتش سازگار با آن موجودات باشد آنها نیز سازگار با او خواهند بود و برکات آسمان به سویی سرآزیر خواهد شد، و در صورت ناسازگاری، رفتاری ناسازگار با او داشته، در نابود ساختن او سعی خواهد کرد، مگر اینکه دست از فساد و گناه بردارد (طباطبائی، بی‌تا، ص ۱۹۵ - ۱۹۷).

۳. **طبیعت امانت در دست انسان:** همان‌گونه که در معرفی انسان بیان شد، او امانت‌دار خداوند است. بر این اساس، طبیعت و مواهب آن نیز از سوی خداوند به صورت امانت در اختیار انسان قرار داده شده است و انسان نمی‌تواند در این امانت تصرفی کند که مخالف رضایت صاحب امانت باشد.

در مکتب اسلام، مالک حقیقی همه موجودات خداوند است و این مالکیت را بنا به مصالحی در اختیار انسان قرار داده است. اما این در اختیار گذاشتن به‌طور مطلق و رها نیست، بلکه انسان امانت‌دار

خداوند است و باید در رفتار خود با محیط زیست و استفاده از منابع طبیعی و زیست‌محیطی اصول امانت‌داری را رعایت نموده، با آنچه به عنوان امانت به او سپرده شده است رفتاری حکیمانه و امینانه داشته باشد. آیه شریفه «آتوهم من مال الله و...» (نساء: ۵) و «وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِينَ فِيهِ» (حدید: ۷) گواه بر این مطلب است.

اهداف نظام

در نظام اخلاقی اسلام، هدف نهایی رساندن انسان به جایگاه منبع عبودیت خداوند است (ذاریات: ۶۵). این نظام هماهنگ با سایر خرده نظام‌ها، با داشتن مبانی متقن برگرفته از آموزه‌های دینی، به گونه‌ای رفتار انسان را جهت می‌دهد که از طریق رسیدن به اهداف واسطه‌ای بتواند به این هدف نهایی برسد. برخی از این اهداف عبارت است از:

حفظ محیط زیست: در نظام اخلاقی اسلام، با توجه به جایگاه طبیعت و مواهب طبیعی، حفظ این مواهب یکی از اهداف اساسی است و از کسانی که به تخریب محیط زیست می‌پردازند به عنوان فسادکنندگان در روی زمین یاد شده است (بقره: ۲۰۵).

ارتقای محیط زیست: در این نظام، تنها به حفظ محیط زیست بسنده نشده، بلکه سفارش‌های فراوانی به آباد ساختن زمین شده است و راه‌های تشویقی نیز برای تحقق این هدف در نظر گرفته شده که از جمله، می‌توان به احیای زمین‌های موات اشاره کرد که برای آباد کننده مالکیت آن را در نظر گرفته است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۵، باب اول از کتاب احیای موات).

عدالت درون نسلی و بین نسلی: در نظام اخلاقی انسان، مواهب طبیعی برای رفاه همه انسان‌ها قرار داده شده و هدف از خلقت این مواهب آن است که بستر مناسبی برای انسان فراهم کند تا بتواند به سوی هدف نهایی طی مسیر کند. بر این اساس افرادی که با تکاثر و استفاده ناروا از این نعمت‌ها، دیگران را محروم کنند برخلاف این اصل رفتار می‌کنند (بقره: ۲۹؛ لقمان: ۲۰).

راه‌کارهای حفظ محیط زیست در نظام اخلاقی اسلام

نظام اخلاقی اسلام منفک از سایر ابعاد اسلام نیست و همراه و هماهنگ با نظام‌های اعتقادی، اقتصادی و مانند آن، پی رساندن انسان به قلّه سعادت و بندگی خدا است. برای رسیدن به این هدف، همه زمینه‌های لازم، اعم از عقل و فطرت - به عنوان رسول باطنی در کنار پیامبران به همراه کتاب راهنمای زندگی - را در اختیار او گذاشته است. در این نظام، هرگاه آدمیان به این تعالیم گوش جان سپرده، بدان عمل کنند و راه و رسم بندگی و خلیفه‌اللهی را پیمایند و با امانتی که خداوند در اختیارشان قرار داده است، براساس

رهنمودهای ارائه شده از جانب دین عمل کنند، مشکلات فراوان زیست محیطی که اکنون با آن مواجهیم رخت برمی بندد؛ مثلاً، هر گاه انسان‌ها حقوق یکدیگر را رعایت کنند و در بهره‌برداری از مواهب طبیعت راه اعتدال در پیش گرفته و دست از زیاده‌طلبی، حرص، اسراف و اتلاف بردارند، همین دنیای خود را همچون بهشت می‌یابند. با وجود این، علاوه بر اینکه جهت‌گیری ادیان الهی رساندن انسان به نقطه اوج کمال و انسانیت است، برای پرهیز از غیر واقع‌گرایی، راه‌کارهایی در متن دین دیده شده تا جوامع در هر سطحی از ایمان به خداوند و عمل به فرامین و رهنمودهای دینی که باشند، بتوانند محیطی سالم داشته باشند و از تجاوز انسان‌های متخلف جلوگیری کنند.

تعالیم الهی در این زمینه، دو دسته‌اند: برخی از این تعالیم به منظور حفظ حداقل‌های لازم، به عنوان تکالیف الزامی تشریح شده و حتی سازوکارهایی نیز برای ضمانت اجرای آنها پیش‌بینی گردیده است. دسته دیگر با عنوان رهنمودهای اخلاقی و به منظور حرکت به سوی جامعه مطلوب خداوند، طراحی شده است. از جهت دیگر نیز بعضی از آموزه‌ها برای تعیین وظیفه فردی بوده و بعضی نیز با نگاه کلان، تعیین‌کننده وظایف اجتماعی است.

یک. آموزه‌های فردی

الف. تکالیف الزامی: آموزه‌های الزامی اگرچه در حوزه اخلاق مصطلح قرار نمی‌گیرند، ولی چون حداقل‌های لازم را درباره محیط زیست بیان می‌کنند، به آنها اشاره شده است. در اینجا، فقط فهرستی از آنها ارائه می‌شود:

- اجتناب از ظلم (بقره: ۲۷۲ و ۲۷۹)؛

- اجتناب از ضرررسانی و اتلاف منابع عمومی (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۵، باب ۱۲ از کتاب احیاء الموات، ح ۱ و ۳)؛

- اجتناب از اسراف (انعام: ۱۴۱؛ اسراف: ۳۱)؛

- نهی از فساد روی زمین (بقره: ۲۰۵).

ب. رهنمودهای تشویقی (اخلاقی): جهت‌گیری این رهنمودها تربیت انسان است، خود او را به نگه‌داری از محل زندگی‌اش وادارد و چنین روشی در عمل هم موفق‌تر بوده است. به همین سبب، آیات و روایات زیادی با این نگرش وجود دارد که به بعضی از آنها، از باب نمونه اشاره می‌شود:

الف) در برخی آیات، به انسان یادآوری شده که او خلیفه خداوند بر روی زمین است و زمین و مواهب زیست محیطی آن به امانت در اختیار او قرار گرفته و از او خواسته شده به آبادی امانتی که در به او

سپرده شده است - یعنی زمین و مظاهر آن - بپردازند و آن را از هرگونه گزند و تباهی حفظ کنند: «هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (هود: ۶۱).

ب) روایات فراوانی درباره تأکید دین بر نظافت (اعم از شخصی، منزل و محیط) وارد شده و حتی نظافت از اصول و نشانه‌های ایمان ذکر گردیده است. علاوه بر این، خداوند عبادات خود را نیز با نظافت قرین ساخته است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۳، ص ۳۶۴ و ج ۷۸، ص ۲). همچنین در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «زندگی بدون داشتن سه چیز بر انسان گوارا نیست: هوای تمیز، آب فراوان و گوارا، و زمین حاصل‌خیز» (همان، ج ۷۵، ص ۲۳۴).

روشن است که موارد مزبور از مصادیق بارز محیط زیست سالم و در نتیجه، داشتن زندگی با نشاط است.

ج) در روایات فراوانی، به حفظ راه‌ها، آب‌ها و سایر اماکن عمومی توجه داده شده و از هرگونه آسیب‌رساندن به این ثروت‌ها نهی شده است و از کسانی که در این راه تلاش می‌کنند، تمجید شده است؛ از جمله، براساس روایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله «هر کس از راه مسلمانان، چیزی را که موجب رنجش رهگذران است، برطرف کند خداوند اجر خواندن ۴۰۰ آیه از قرآن برایش ثبت می‌کند که هر طرف آن ده حسنه دارد» (نوری طبرسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۲، باب ۱۹، ح ۳، ص ۳۸۵).

به همین سبب امام سجاد علیه السلام هر گاه کلوخی را در راه می‌دیدند از مرکب پیاده می‌شدند و آن از سر راه برمی‌داشتند (همان، ح ۴).

از سوی دیگر، کسانی که مسیر مردم را آلوده کرده یا مانعی در آن ایجاد کنند سرزنش شده‌اند. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«سه گروهند که در اثر کار خود، از سوی خداوند لعنت شده‌اند: (الف). کسانی که اماکن عمومی، سایه‌بان‌ها و محل پیاده شدن مسافران را آلوده کنند. (ب). کسانی که آب عمومی (آب نوبتی) را غصب کنند. (ج). کسانی که سد معبر کرده، مانع عبور عابران شوند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۲۵).

در روایت دیگری، امام صادق علیه السلام از قول پدران‌شان نقل می‌کند: «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از قضای حاجت در کنار چاه آب آشامیدنی، نهر آب و یا زیر درخت میوه نهی کردند» (همان).

د) در روایات زیادی، مسلمانان به درخت‌کاری، زراعت و سایر فعالیت‌هایی تشویق شده‌اند که به نحوی در طراوت و سرسبزی محیط مؤثرند؛ از جمله، در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: «مسلمانی که نهالی بکارد یا زراعتی به‌عمل‌آورد و از آن، انسان، پرند یا حیوانی استفاده کند، در نامه عملش ثواب صدقه نوشته می‌شود» (نوری، ۱۴۰۷ق، ج ۱۳، ۴۶۰، ح ۳). و نیز فرموده‌اند: «کسی که درخت میوه‌ای بکارد خداوند به اندازه ثمر آن به او اجر می‌دهد» (همان، ح ۴).

در روایت دیگری، پیامبر اکرم ﷺ مسلمانان را به درخت‌کاری و آبادسازی محیط زیست، حتی در هنگام برپایی قیامت، تشویق کرده‌اند: «هرگاه نهال خرمایی برای کاشتن در دستانت بود و قیامت برپا شد، اگر قادر به کاشت آن تا وقوع قیامت بودی، آن را بکارید» (همان، ح ۵).

امام صادق علیه السلام نیز زراعت و کشاورزی را از محبوب‌ترین اعمال دانسته و فرموده‌اند: «تمامی پیامبران غیر از ادریس، که شغل خیاطی داشت، کشاورز بودند» (همان، ص ۶۱، ح ۳).

ه) نهاده‌های ساختن فرهنگ آینده‌نگری و خروج از پیله خودنگری در روایات، فراوان به چشم می‌خورد. روایاتی که انسان‌ها را به عمران و آبادی زمین تشویق می‌کند (هود: ۶۱)؛ تشویق به باقی گذاشتن ارث و به فکر آینده فرزندان بودن (کلینی، ج ۵، ص ۶۶)؛ و تشویق به وقف و صدقات جاریه (حر عاملی، ج ۱۳، ص ۲۹۴) از این قبیل هستند. به‌طور طبیعی، چنین فرهنگی تدبیر نسبت به آینده محیط زیست را نیز به همراه دارد و بر خلاف اتهامی است که برخی از بوم‌شناسان به دین‌مداران می‌زنند و می‌گویند: دین‌داران با موقت‌انگاری دنیا، در صدد آبادانی آن نیستند!

دو. آموزه‌های اجتماعی

دین اسلام مکتبی است اجتماعی، و بخش قابل توجهی از تعالیم آن نیز با نگاه کلان و قرار داشتن فرد در اجتماع تشریح شده است. اصولاً مهم‌ترین فلسفه دولت اسلامی و اینکه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله خود در اولین فرصت اقدام به تشکیل دولت کردند، احکام اجتماعی اسلام است. در ارتباط با مسئله محیط زیست نیز خداوند متعال به احکام فردی اکتفا نکرده و برای اینکه تحقق این هدف تضمین بیشتری داشته باشد در قالب احکام اجتماعی نیز راه‌کارهایی ارائه کرده‌اند. در این میان، می‌توان به‌طور روشن، به نهاد «امر به معروف و نهی از منکر» اشاره کرد.

امر به معروف و نهی از منکر: از بیانات شارع استنباط می‌شود که بسیاری از اهداف اجتماعی لازم است در وهله اول، از طریق خود مردم صورت گیرد و ضمانت اجرای آنها نیز خودشان باشد. تأسیس نهاد «امر به معروف و نهی از منکر»، یا نهاد «حسبه» و قرار دادن آن در کنار نماز و روزه و به عنوان یکی از فروع دین، شاهد بر اهتمام مکتب بر این فرایند است. در قرآن، آیات زیادی در این باره وجود دارد و روایات نیز نسبت به آن فراوان سخن گفته‌اند.

نهاده‌های شدن فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر بر تمام مسائل و از جمله، حفظ محیط زیست تأثیر زیادی دارد؛ زیرا عموم مردم خود را در آن سهیم خواهند دانست و انگیزه فراوانی برای انجام آن پیدا خواهند کرد و نوعی نظارت عمومی بر چگونگی استفاده از منابع و حفظ محیط فراهم خواهند آورد.

ناگفته نماند که گرچه امر به معروف و نهی از منکر از واجبات محسوب می‌شود، ولی تشویق به انجام این واجب و به‌ویژه فرهنگ‌سازی آن را می‌توان از موارد اخلاقی به شمار آورد. علاوه بر آن، در برخی از واجبات، که ضمانت اجرایی حکومتی در آنها وجود ندارد و انجامشان بستگی به ایمان افراد و زمینه‌های درونی آنان دارد، می‌توان تشویق به انجام آنها را از مسائل اخلاقی دانست، هرچند فقه هم از جنبه دیگر در آنها وارد شده است.

نتیجه‌گیری

نظام اخلاقی مبتنی بر انسان‌محوری با نفی اعتقادات مذهبی و رویکرد ماورای طبیعی به عالم و جهان هستی، طبیعت را تحت حاکمیت مطلق انسان قرار داده است. انسان با تحولات و پیشرفت‌های چشم‌گیر در علوم طبیعی، نیازی به حضور اراده و مشیت خدا و دخالت او در امور فردی و اجتماعی نمی‌بیند و نظام طبیعی را تنها منشأ ارزش و غایت امور بشری و طراح زندگی او می‌داند. در مقابل، نظام اخلاقی طبیعت‌گرا نیز به دلیل آنکه می‌خواسته است مشکل را از همان زاویه حل کند، راه به جایی نبرده و دچار افراط و تفریط شده است.

یکی از مشکلات اساسی مکاتب اخلاقی انسان‌محور و طبیعت‌گرا انهدام بنیادهای مبتنی بر توجه به رابطه انسان با خداست. در حقیقت، انسان با قطع رابطه خویش با خدای خالق هستی، روابط هماهنگ خود با سایر مخلوقات و کل عالم وجود را نیز با مشکل مواجه کرده است.

در مقابل، نظام اخلاقی اسلام از ظرفیت بالایی برای کاهش بحران و کاهش تخریب محیط زیست برخوردار است. هدف اساسی این نظام تغییر در نگرش انسان است نسبت به آنچه در اختیار دارد تا به این فهم و ادراک عمیق برسد که او امانت‌دار است و امکانات و منابع طبیعی و زیست‌محیطی را که براساس مصالحی در اختیارش قرار داده شده، فقط در جایی می‌تواند استفاده کند که مالک حقیقی آن اجازه می‌دهد و همه ابعاد فردی، اجتماعی، انسانی و غیر انسانی استفاده از منابع زیست‌محیطی را باید در نظر بگیرد. در نتیجه، حق ندارد با طبیعت رفتارهایی داشته باشد که منجر به تخریب آن می‌شود.

در این نظام، علاوه بر اهتمام به تصحیح اعتقادات انسان و تقویت ایمان او، به گونه‌ای که به‌طور طبیعی و خودکار این مهم را انجام دهد، رهنمودهای اخلاقی فراوانی در جهت تربیت انسان وارد شده است که در سایه آن، نه تنها دست خود را به تخریب محیط زیست نمی‌آلاید، بلکه خود و دیگران را به ارتقای سطح آن ترغیب می‌کند.

رعایت اصول مطرح در قرآن مانند دوری از اسراف و تبذیر، رعایت میانه روی و تعادل و قناعت، و نهی از فساد در زمین، بهره‌برداری و حفاظت از محیط زیست را در مسیر منطقی و انسانی قرار می‌دهد.

منابع

- نهج البلاغه، ۱۳۷۶، ترجمه سیدجعفر شهیدی، تهران، علمی و فرهنگی.
- بارو، کریستفوجی، ۱۳۸۰، *اصول و روش های مدیریت محیط زیست*، ترجمه مهرداد اندرودی، تهران، کنگره.
- بنسون، جان، ۱۳۸۲ الف، *اخلاق زیست محیطی*، ترجمه محمدمهدی رستمی شاهرودی، تهران، سازمان حفاظت از محیط زیست.
- _____، ۱۳۸۲ ب، *اخلاق زیست محیطی مقدمات و مقالات*، ترجمه عبدالحسین وهابزاده، مشهد، جهاد دانشگاهی.
- پرمن راجرز، یوما و مک گیل، ری جیمز، ۱۳۸۲، *اقتصاد محیط زیست و منابع طبیعی*، ترجمه حمیدرضا ارباب، تهران، نی.
- ترنر، آر. ک و باتمن، دی. پیرس، ای، ۱۳۷۴، *اقتصاد محیط زیست*، سیاوش دهقانیان و دیگران، مشهد، دانشگاه فردوسی.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۶، *اسلام و محیط زیست*، قم، اسراء.
- حر عاملی، محمدبن حسن، ۱۴۰۹ق، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل البیت (ع).
- دیرباز، عسگر و حسن دادگر، ۱۳۸۰، *نگاهی به اسلام و توسعه پایدار*، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- سعدالدین، محمدمنیر، بی تا، «محیط زیست و مسؤولیت انسان»، *فرهنگ جهاد*، ش ۴.
- سن، آمارتیا، ۱۳۷۷، *اخلاق و اقتصاد*، ترجمه حسن فشارکی، تهران، شیرازه.
- شوماخر، ای. اف، ۱۳۷۲، *کوچک زیباست*، ترجمه علی رامین، تهران، سروش.
- صانع پور، مریم، ۱۳۸۲، *فلسفه اخلاق و دین*، تهران، آفتاب توسعه.
- صدرالمتلهین، ۱۹۸۱م، *الحکمة المتعالیه*، ج دوم، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، بی تا، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، منشورات جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه.
- فراهانی فرد، سعید و یوسف محمدی، ۱۳۸۸، «مبانی اخلاقی محیط زیست از نگاه اقتصاد متعارف و قرآن»، *قبسات*، ش ۵۳، ص ۱۷۹-۲۰۸.
- _____، ۱۳۸۴، *سازگاری بهره برداری از منابع طبیعی با توسعه پایدار در اسلام*، پایان نامه دکتری، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- فیض کاشانی، ملاحسن، ۱۳۵۶، *تفسیر صافی*، ج دوم، قم، الهادی.
- متقی هندی، حسام الدین، ۱۳۹۷ق، *کنز العمال*، بیروت، مکتبه التراث الاسلامی.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار*، ج دوم، بیروت، مؤسسه الوفاء.
- محقق داماد، مصطفی و دیگران، ۱۳۸۶، «ماهیت و دیدگاه های اخلاق زیست محیطی با تأکید بر دیدگاه اسلامی»، *اخلاق در علوم و فناوری*، ش ۲ و ۱ ص ۵۹ - ۷۲
- محمدی ری شهری، محمد، ۱۴۱۶ق، *میزان الحکمة*، قم، دارالحدیث.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۶۶، *سیری در نهج البلاغه*، ج چهارم، قم، صدرا.
- نصر، سیدحسین، ۱۳۷۹، *نیاز به علم مقدس*، حسن میانداری، قم، طه.
- نوری طبرسی، میرزا حسین، ۱۳۲۰ق، *مستدرک الوسائل*، قم، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث.
- هات، جان اف، ۱۳۸۲، *علم و دین*، ترجمه بتول نجفی، قم، کتاب طه.
- یوسفی، احمدعلی، و دیگران، ۱۳۷۹، *ماهیت و ساختار اقتصاد اسلامی*، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- Sara Bruhn - Tysk, Mats Eklund, 2002, "Environmental impact assesment - A tool for sustainable development", *Environmental Impact Assesment Review*" V 22, P. 129-144.
- Wilson, james Q, 2000, "Two Cheers for capitalism", *The Public Interst*, No. 139, P. 72-87.